

دختر لاغر اندام بریده بریده می گوید: «زمانی که قرص روان گردان خوردم تشنج شدیدی به من دست داد و تا به خودم آمدم دیدم روی تخت بیمارستان دراز به دراز افتاده ام. قبیل از ماجرای مصرف قرص روان گردان خواهر بزرگ ترن ما به دلایلی از خانه فرار و زندگی بی نتیجه ای را با یک پسر هوسرانی آغاز کرد.»

با فرار دختر بزرگ خانواده دختر دبیرستانی که به خاطر این اتفاق خودش را تنها می بیند و اعصابش به هم می ریزد، چاره کار را در مصرف قرص روان گردان می بیند تا کمی با مصرف آن آرام بگردد و دوری همدم تنهایی و بازی های کودکانه اش بیش از آن او را بی تاب نکند.

دختر گم شده در رویا تعریف می کند: «وقتی خواهرم به من زنگ می زد خیلی بی تابی می کردم و دلم می گرفت، چون او همدم تنهایی ام بود و با فرار و ترک خانه از سوی او بدجوری آشفته خاطر شدم و برای همین به سراغ قرص روان گردان رفتم و مصرف آن را بعد از مدتی زیاد کردم.» ارتباط تلفنی بین دو خواهر ادامه پیدا می کند تا این که روزی خواهر فراری برای حل این مشکل برای خواهرش نسخه می پیچد و تنها درمان آن را فرار از خانه می داند. خواهر کوچک که طاقث دوری خواهر بزرگش را ندارد چشم بسته و بدون فکر به عواقب کار و پایان راه کیف اش را بر می دارد و راه بی نتیجه خواهرش را می پیماید تا این که در تاریکی راه گم می شود و سر از ناگجا آباد در می آورد. او می

گوید: «وقتی نزد خواهرم و فرد به اصطلاح همسرش رفتم پی به ماجرا بردم و روی دیگر روابط خواهرم را دیدم.

شریک خانه او بعد از چند روز بهانه گرفت که هزینه زندگی بالاست و پولی برای من ندارد برای همین هر کسی باید فکر چاره ای کند یا به درخواست پلید او تن دهد. با خواهرم و پسر غریبه بحث مان بالا گرفت و از خانه بیرون زدم و زندگی مجردی را در پیش گرفتم.»

دختر گم شده در غبار بی فکری با پس انداز و فروش طلای خود خانه ای اجاره و همانند خواهرش به تنهایی و بی فکر و بند زندگی می کند، اما خبر ندارد که روزی سرش به سنگ می خورد. بعد از این اتفاق خانواده هر بار که ردی از دختر گم شده شان می گرفتند او در چند قدمی رسیدن آن ها پی به فرار می گذاشت و در سیاهی گم می شد.

دخترش در به در که روحش به شدت خراش برداشته است، می گوید: «هر بار که پدر و مادرم دنبال می آمدند پا به فرار می گذاشتم، چون نمی خواستم به خانه برگردم. مدام دلتنگی به سراغم می آمد و قلب ام می خواست از جا کنده شود، اما اشتباه محض کردم.» به گفته دختر پشیمان، قرص روان گردان او را از زندگی سیر می کند و به موازات افزایش مصرف آن اعصابش به شدت به هم می ریزد.

پسری جوان که آن دختر به او علاقه داشت هر بار به بهانه ازدواج از دختر غرق در اشتباهات سوء استفاده می کرد. می

## اعتراف هولناک دختر ۲۵ ساله فراری

عایدم نشد. خانواده ام اصلاً از اعتیاد و اتفاقاتی که به سرم آمده بود خیر نداشتند و هنوز در ذهن شان من یک دختر نوجوان و شاد بودم. او می گوید: زمان ویارویی با آن ها ثانیه ها به کندی می گذشت و تپش قلب ام تندتر می شد.وقتی زنگ خانه به صدا درآمد مادرم اسپند به دست با من رویه رو شد. هر دو خشک مان زده و مادرم انگار با موجود دیگری روبه رو شده بود. بی قیافه ای متعجب بعد از گذشت چند لحظه سکوت را شکست و با لحنی لرزان گفت دخترم خودت هستی؟ اسپند از دستش افتاد و مثل یک آهن ربای قوی چنان من را در آغوش فشرد که احساس می کردم استخوان هامم در حال شکستن هستند. بعد از آن فقط گریه می کردم و این فراق بعد از ۶ سال پایان یافت، اما تاوان سنگینی بابت آن پرداخت کردم.

دخترک برای فرار از جهنم خود ساخته دست به خودکشی با قرص روان گردان می زند و روزگارش سیاه تر از قبل می شود. بعد از مصرف چند بسته قرص دختر زار می شود و تلو تلو کنان از پله ها به پایین سقوط می کند و به شدت از ناحیه پا آسیب می بیند.

به خاطر شکستگی پا در بیمارستان بستری می نشود و نحت عمل جراحی فراری می گیرد. او با چشمائی اشک بار تعریف می کند: زمانی که خواستم از بیمارستان مرخص شوم دوستم به خانواده ام اطلاع داد که من خواهان بازگشت نزد آن ها هستم و آن ها خوشحال از این اتفاق لحظه شماری می کردند.

بعد از گذشت ۶ سال فرار بی نتیجه لنگ لنگان با چهره ای شکسته راهی خانه شدم و جز سراسرافتنگی در این مدت چیزی

## مخدر گل در بسته‌بندی جدید در کمین دانش آموزان

**اعتیاد گل ۷ برابر حشیش!**

بررسی قرار گرفت، به همین منظور از تمامی ظرفیت‌های گروه‌های مرجع و نهادها استفاده می‌کنیم تا اقدامات ارائه می‌دهند، گفت: اعتیاد مساده مخدر گل هفت برابر حشیش است.

به گزارش رکتا، سردار اسکندر مومنی دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر در مراسم امضای تفاهم‌نامه با آموزش و پرورش با اشاره به اینکه اقدامات خوبی در حوزه مبارزه با مواد مخدر داشتیم، اظهار کرد: نگاه غالب این است که اجازه ندهیم مواد مخدر وارد کشور شود و مبتلایان را درمان کنیم البته این دو نکته در چهار دهه اخیر غالب بوده است؛ نگاه سوم با رویکرد پیشگیری است که اقدامات خوبی در این زمینه داشته‌ایم.

وی افزود: اگر اقدامات پیشگیرانه و صیانت درونی وجود نداشته باشد مجبوریم فقط با آسیب دیدگان مقابله کرده و آن‌ها را درمان کنیم، در واقع رویکرد اصلی باید نگاه پیشگیرانه باشد.

دبیرکل ستاده مبارزه بسا مواد مخدر ادامه داد: در مجاورت بزرگترین کسبوسر تولیدکننده مواد مخدر قرار داریم و بر اساس آمار سازمان ملل، افغانستان بیش از ۹ هزار تن تولید مواد مخدر در سال ۲۰۱۷ داشته است، بر این اساس برای اینکه بستر مناسب داشته باشیم طرح باریگران زندگی تدوین شد.

سردار مومنی همچنین در جمع خبرنگاران اظهار کرد: آسیب شناسی مواد مخدر در ۴۰ سال گذشته مورد

دبیرکل ستاد مبارزه با موادمخدر با اشاره به اینکه برای ترغیب دانش آموزان، مواد مخدر را با بسته‌بندی جدید ارائه می‌دهند، گفت: اعتیاد مساده مخدر گل هفت برابر حشیش است.
به گزارش رکتا، سردار اسکندر مومنی دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر در مراسم امضای تفاهم‌نامه با آموزش و پرورش با اشاره به اینکه اقدامات خوبی در حوزه مبارزه با مواد مخدر داشتیم، اظهار کرد: نگاه غالب این است که اجازه ندهیم مواد مخدر وارد کشور شود و مبتلایان را درمان کنیم البته این دو نکته در چهار دهه اخیر غالب بوده است؛ نگاه سوم با رویکرد پیشگیری است که اقدامات خوبی در این زمینه داشته‌ایم.

وی افزود: اگر اقدامات پیشگیرانه و صیانت درونی وجود نداشته باشد مجبوریم فقط با آسیب دیدگان مقابله کرده و آن‌ها را درمان کنیم، در واقع رویکرد اصلی باید نگاه پیشگیرانه باشد.

دبیرکل ستاده مبارزه بسا مواد مخدر ادامه داد: در مجاورت بزرگترین کسبوسر تولیدکننده مواد مخدر قرار داریم و بر اساس آمار سازمان ملل، افغانستان بیش از ۹ هزار تن تولید مواد مخدر در سال ۲۰۱۷ داشته است، بر این اساس برای اینکه بستر مناسب داشته باشیم طرح باریگران زندگی تدوین شد.

سردار مومنی همچنین در جمع خبرنگاران اظهار کرد: آسیب شناسی مواد مخدر در ۴۰ سال گذشته مورد

## خودکشی زنانه مرد تهرانی!

کشف جسد حلق آویز مرد جوان در خانه، پلیس را با معمای جنایی پیچیده‌ای رو به رو کرد.

ساعت یک ظهر جمعه ۱۸ مرداد زن جوانی با مأموران کلانتری ۱۳۶ فرجام تماس گرفت و از مرگ همسرش خبر داد. با این تماس، بلافاصله موضوع به بازپرس کشیک قتل پایتخت و تیم بررسی صحنه جرم اعلام شد.
دقایقی بعد بازپرس جنایی و تیم تحقیق در محل حاضر و با جسد مرد ۴۰ ساله درحالی مواجه شدند که دو جفت جوراب زنانه بلند و کفش زنانه‌ای به پا داشت. همچنین جوراب زنانه‌ای نیز به سرش کشیده شده بود. از آنجا که جسد حلق آویز شده بود، فرضیه خودکشی مورد بررسی قرار گرفت اما با توجه به وضعیت ظاهری جسد این احتمال نیز که وی را به قتل رسانده و سپس جسدش را حلق آویز کرده باشند مطرح شد.مأموران در نخستین گام به سراغ همسر وی رفتند که در تحقیقات گفت: شب قبل به مهمانی رفته بودیم اما همسرم به خانه برگشت و من آنجا ماندم. ظهر که به خانه برگشتم با جسد همسرم در حالی که از سقف اتاق پذیرایی آویزان شده بود، مواجه شدم. این درحالی است که آثار ورود فردی غریبه به خانه دیده نشد و با توجه به اینکه احتمال قتل و خودکشی هر دو مطرح بود بازپرس جنایی برای رازگشایی از این موضوع دستور داد جسد برای مشخص شدن علت مرگ به پزشکی قانونی انتقال داده شود

## پرستو دختر کردی که دردناک کشته شد!

پرستو نصیری دختر ۱۵ ساله سندنجدی بود که جان خود را در اثر عمل کیسه صفرا از دست داد.

پیگیری خبرنگار ما از ماجرای مرگ رموز و عجیب دانش آموز کرد سندنانی را از زبان خانواده داغ‌دیده و سوپروایزر بیمارستان تامين اجتماعي سندنجد خوانيد.

به گزارش رکتا ، ۱۷ مردادماه جاری مدیر آموزش و پرورش ناحیه یک سندنج در سندنج اعلام کرد: «پرستو نصیری» دانش آموز پایه نهم دبیرستان دخترانه شهید بهمنی مسلکانه محله عباس آباد بر اثر عمل جراحی کیسه صفرا فوت کرد.

همانطور که پیش تر وعده داده بودیم، خبرنگار ما در سندنج پیگیری این عمل سؤال‌برانگیز را در دستور کار خود قرار داد که در ادامه مشروح آن از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد:

به محله عباس آباد سندنج رفتیم، با پرس و جو منزل و مراسم ختم دانش آموز فوت شده بر اثر عمل جراحی کیسه صفرا را پیدا کردیم، وارد مسجد که شدید سکوت و غم عجیبی فضا را پر کرده بود، با سؤال از مردم مادر و خواهر «پرستو» را به ما معرفی کردند؛ این خانواده ۵ دختر و یک پسر دارند.

مادر پرستو نصیری با چهره غمگین و نگران که تمام صورت خود را برای از دست دادن دختر نازنینش زخمی کرده بود در گوشه‌ای نشست و گریه می کرد؛ مادری که از چهره‌اش معلوم بود سختی و مشکلات روزگار حسایی او را از پا درآورده بود.

ماجرای مرگ «پرستو نصیری» را از خواهرش جویا شدیم؛ وی توضیح داد: ۵ خواهر و یک پسر هستیم، پرستو با یکی دیگر از خواهرهامم صبح روز سه‌شنبه از کلاس زبان تازه برگشته بود، از دل درد شدید مدام به خود می‌پیچید، استراخ زیادی کرد، ساعت ۱۲ شب مادر و خواهرم با ماشین یکی از همسایه‌هایمان به بیمارستان بعثت‌مراجعه می‌کنند.

وی با بیان اینکه خواهرم هیچ سابقه بیماری نداشت، گفت: پس از شرح حال پرستو، کادر پزشکی در اورژانس بیمارستان بعثت تنها تشخیص گرامزدگی را می‌دهند و

## حوادث

عایدم نشد. خانواده ام اصلاً از اعتیاد و اتفاقاتی که به سرم آمده بود خیر نداشتند و هنوز در ذهن شان من یک دختر نوجوان و شاد بودم. او می گوید: زمان ویارویی با آن ها ثانیه ها به کندی می گذشت و تپش قلب ام تندتر می شد.وقتی زنگ خانه به صدا درآمد مادرم اسپند به دست با من رویه رو شد. هر دو خشک مان زده و مادرم انگار با موجود دیگری روبه رو شده بود. بی قیافه ای متعجب بعد از گذشت چند لحظه سکوت را شکست و با لحنی لرزان گفت دخترم خودت هستی؟ اسپند از دستش افتاد و مثل یک آهن ربای قوی چنان من را در آغوش فشرد که احساس می کردم استخوان هامم در حال شکستن هستند. بعد از آن فقط گریه می کردم و این فراق بعد از ۶ سال پایان یافت، اما تاوان سنگینی بابت آن پرداخت کردم.

دخترک برای فرار از جهنم خود ساخته دست به خودکشی با قرص روان گردان می زند و روزگارش سیاه تر از قبل می شود. بعد از مصرف چند بسته قرص دختر زار می شود و تلو تلو کنان از پله ها به پایین سقوط می کند و به شدت از ناحیه پا آسیب می بیند.

به خاطر شکستگی پا در بیمارستان بستری می نشود و نحت عمل جراحی فراری می گیرد. او با چشمائی اشک بار تعریف می کند: زمانی که خواستم از بیمارستان مرخص شوم دوستم به خانواده ام اطلاع داد که من خواهان بازگشت نزد آن ها هستم و آن ها خوشحال از این اتفاق لحظه شماری می کردند.

بعد از گذشت ۶ سال فرار بی نتیجه لنگ لنگان با چهره ای شکسته راهی خانه شدم و جز سراسرافتنگی در این مدت چیزی

شب قبل را داشتند که پس از پاسخ‌گویی، از انجام ندادن آزمایشات تعجب کردند.

وی با بیان اینکه دخترم دل درد شدید داشت، گفت: ساعت ۳ صبح در بیمارستان تامين اجتماعي سندنج، بارها از پزشکان و پرسنل بیمارستان تامين اجتماعي برای انجام سریع پذیرش دخترم به اتاق عمل التماس کردم، اما کسی گوش نداد و با حرف‌های «هنوز نوبت شما نشده» جواب ما را می‌دادند؛ بالاخره تا ساعت ۳ بعدظهر منتظر ماندیم.

مادر دانش‌آموز فوت شده با ذکر اینکه کسانی که کسب مرگ دخترم شنیدند را به خدا می‌سپارم، گفت: آیا پدر درمانی بیمارستان تامين اجتماعي که حال دخترم را می‌دیدند نمی‌شد زودتر پذیرش و عمل جراحی را انجام می‌دادند؟

پس از شنیدن درد‌دهای مادر و خواهر دانش‌آموز فوت‌شده، به بیمارستان تامين اجتماعي سندنج مراجعه کردیم؛ سوپروایزر بخش که شب عمل جراحی پرستو نصیری شبیفت بوده، ماجرا را برای خبرنگارما این‌گونه توضیح داد که «پرستو» با افت فشار بسیار پایین در اتاق پزشک بی‌حال و پس از تشکیل پرونده و سرم درمانی بستری می‌شود.

وی گفت: پرستو نصیری ساعت ۱۴:۲۷ دقیقه روز چهارشنبه (۱۶ مردادماه جاری) پذیرش و ساعت ۱۷:۴۰ دقیقه به اتاق عمل فرستاده شد.

سوپروایزر بیمارستان تامين اجتماعي اظهار کرد: پس از سؤال از مادر بیمار که دخترت چرا اینطوره شده، کجا رفته، آیا چیزی مصرف کرده؛ توضیحات شرح حال پرستو نصیری از زبان خانواده‌اش مبهم و ناکافی بود.

وی مدعی شد: پس از بررسی شرح حال بیمار و تشخیص مشاوره پزشک قانونی، ممکن است مرگ این دانش‌آموز به‌دلیل احتمالاتی همچون سمومیت ای کشش برنج، مصرف مواد مخدر صنعتی، سمومیت به آمفتامین، نارسایی آدرنال (بیماری‌های غدد فوق کلیه) یا احتمال لکومیا (سرطان خون در مرحله حاد) باشد، اما دلیل مرگ قطعی روز شنبه (۱۹ مردادماه) در کمیته پزشکی بیمارستان تامين اجتماعي سندنج مشخص می‌شود.

## ازدواج کبیر با دختر ۲۵ ساله آخر خط بود

هیچ اطالعی از پسرم ندارم حتی نمی دانم او مرده است یا زنده .

در همین حال همسرم به جای آن که به دنبال پسرش برود و او را از منجلاب اعتیاد و کارتن خوابی بیرون بکشد فقط در پی خوشگذرانی‌ها و ارتباط با زنان و دختران خیابانی است. من هم زمانی به رفتارهای زشت و ارتباطات نامتعارف او با زنان غریبه پی بردم که دیگر دیر شده و همسرم با دختر ۲۵ ساله ای ازدواج کرده بود. درحالی که من همواره فکر می کردم او فقط به دنبال خوشگذرانی‌های لحظه ای است اما با فاش شدن ماجرای ازدواجش مورد اعتراض دخترانم قرار گرفت.

«کبیر» برای توجیه ازدواج دومش به من و دخترانم توهین کرد و در نهایت با این بهانه که شما آسایش را از من سلب کرده اید، من و دخترانم را با کتک کاری از منزل بیرون انداخت و فریاد زد: می‌خواهم با همسر جوانم زندگی جدیدی را آغاز کنم. حالا وقتی به ۳۰ سال قبل بازمی‌گردم که چگونه تکه‌های پارچه را زیر سوزن چرخ خیاطی فرار می‌دادم تاסף می‌خوم .

در سالهای اخیر موضوع کناره گیری جوانان از ازدواج و معایب تجردگرایی نقل محافل شده، و بالا رفتن سن ازدواج در میان جوانان نیز از موارد نگرانی مسئولان و کارشناسان و حتی خود جوانان هر چند به شکل ناخودآگاه است.

**از سوال‌های بیش از حد بقیه خسته‌ام**

افسانه ۲۴ ساله و دانشجویی فوق لیسانس است، نامزدش علیرضا، پسردای وی، ۲۹ ساله و کارشناسی عمران دارد، هدفش از ازدواج را جویا شدم، پاسخ داد: در خواستگاری ای که به صورت سنتی انجام شد، ما نامزد شدیم، چون علیرضا از لحاظ اخلاق، درک و ادب مورد تایید همه بود، و من شخصیتش را قبول داشتم، و زندگی در کنار چنین شخصی را دوست داشتم.

۴ سال از نامزدی‌شان می‌گذشت، دلیل نامزدی طولانی را جویا شدم، جواب بیکاری نامزدش بود، و در پاسخ به این سسوال که برنامه ریزی‌ای برای زمان عقد و عروسی دارد، گفت: همه چیز به کار نامزد مرتبط است، و تا پیدا نشدن شغل نمی‌توانم هیچ برنامه‌ریزی‌ای داشته باشم.

افسانه از طولانی شدن دورهٔ نامزدی‌اش خبر خوبی نداشت و از سوال بیش از حد بقیه در این زمینه خسته بود. پدرش اجازه عقد نمی‌داده و شش‌رط عقد را درست شدن کار نامزدش گذاشته است، او ادامه داد: من به هر کار راضی‌ام ولی علیرضا راضی نمی‌شود، ای کاش سطح توقعاتش کمتر بود، و به خاطر من، هر شغلی را می‌پذیرفت.

توصیه افسانه به سایر دختران این بود که سختگیری‌های بیجا نداشته باشند، و بپذیرند که هیچ انسانی کامل نیست، همانطور که خودشان نیز کامل نیستند، او می‌گفت: نباید توقع داشت مرد کمبودها و نداشته‌های ما را بعد از ازدواج جبران کند.

سپس به سراغ فاطمه رفتم، فاطمه ۲۷ ساله و دانشجویی دکترا بود. نامزدش نیزم هم‌سن وی، دارای مدرک کارشناسی و در عسولویه مشغول به کار بود. آنها ۸ سال پیش در دورهٔ کارشناسی هم کلاس بودند که بنا به مشکلات و شرایط خاصشان از چند ماه پیش نامزد شده بودند، قرار بود شهریور عقد کرده و بهمن ماه سال جاری نیز مراسم عروسی‌شان را بگیرند.

فاطمه فاصله‌های زمانی دوره نامزدی تا عقد و عروسی را برای شناخت بیشتر طرف مقابل و خانواده‌های همدیگر مفید دانست، و هم اینکه در شرایط سخت اقتصادی این روزها از نظر مالی فرصتی برای پس انداز و برنامه ریزی ای برای شروع زندگی نداشته باشند، او اعتقاد دارد که پسر و دختر حتی اگر ده سال نیز با هم آشنا باشند، بعد از دوره نامزدی به خاطر پررنگ شدن حضور خانواده‌ها، رابطه شکل دیگری از شناخت خودش را نشان می‌دهد و شناخت طرف مقابل اصلا به معنی شناخت خانواده وی نیست، چرا که مسائل ریزی در رابطه با خانواده‌ها وجود دارد که که باید با صبوری حل شوند وگرنه ممکن است تا پای به هم خوردن نامزدی نیز پیش برود.

وی مشکلات ازدواج را مهریه‌های سنگین و هزینه‌های زیاد تشکیل زندگی دانست، همچنین مقایسه کردن را نیز عامل منفی دیگری در زندگی دانست.

فاطمه به دختران توصیه کرد که نباید توقع روزهای صرفا شیرین و بدون مشکل داشته باشند، چرا که وجود روزهای سخت زندگی را کامل می‌کند. وی اعتقاد داشت غالب دختران و پسران شناختی از نفس ازدواج ندارند و بدون مشاوره، مطالعه و خودشناسی ازدواج می‌کنند، که انجام این امور روند زندگی را خیلی آسان می‌کند.

## انتظار طولانی برای رفتن زیر یک سقف

**مسائل اقتصادی سد راه ازدواج**

متأسفانه برخی خانواده‌ها در انتظار دارند وقتی برای پسرشان به خواستگاری می‌روند، خانواده مقابل توقعی از آنها نداشته باشد ولی وقتی برای دختر خودشان خواستگاری می‌آید قضیه فرق می‌کند، این‌ها بیانات مهتاب بود که می‌گفت در بین دوستان و اطرافیانم گاهاً می‌بینم.

وی ادامه داد اگر خانواده‌ها توقع بالا از خواستگار دخترشان دارند، بهتر است دختر با بردباری با خانواده صحبت کرده و مسائل را حل کند تا کوتاه بیایند.

**یک ازدواج ناموفق**

مهتاب مسائل اقتصادی را یکی از مشکلات ازدواج می‌دانست، و دربارهٔ شناختن طرفین نیز گفت متأسفانه در جامعه ما وقتی دختر و پسر به قصد ازدواج با هم آشنا شدند، اگر احساس کنند برای هم مناسب نیستند، خانواده‌ها به هم خوردن این نامزدی را خیلی زشت می‌دانند و به راحتی با این قضیه کنار نمی‌آیند، که این امر ممکن است به یک ازدواج ناموفق بیانجامد.

مهتاب به دختران توصیه کرد در سن پایین ازدواج نکرده و احساسی برخورد نکنند و بدانند از زندگی چه می‌خواهند، و سطح توقعات خود را پایین بیاورند.

**افت اعتماد بین فردی**

دکتر عزت دیره، مهمترین مشکل ازدواج را مسائل اقتصادی اعلام کرد و همچنین ادامه داد: البته اعتماد بین فردی نیز افت کرده که در این زمینه تأثیر دارد، انتظارات افراد خیلی بالا است و همه به علت افزایش رقابت زندگی تحملاتی، مهریه‌های غیر واقع‌بینانه و مسائلی از این‌دست دخالت دارند، این مسائل پیچیده بوده و نمی‌توان گفت مقصر کیست یا راه حل ساده‌ای برای آن داد که اگر اینطور بود آمار ازدواج کاهش نمی‌یافت.

این روانشناس بالینی نقش آگاهی از طریق خانواده، رسانه‌های معتبر، و آموزش‌های سبک زندگی سالم در مدارس و… را مؤثر دانست و گفت: علمی‌رغم گذشت، دسترسی به اطلاعات و مهارت‌های ارتباط بین فردی، آگاهی بسیاری از افراد پایین است.

**نقش تعیین‌کننده زمان**

عوض هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی معتقد است که دوران نامزدی برای شناخت بیشتر از طرف مقابل و خانواده‌ها با یکدیگر است، تلاش برای شناخت در اثر تعامل اتفاق می‌افتد، بی‌توجهی به نشانه‌های مهم خصوصیات فردی و خانوادگی مانع تصمیم‌گیری مناسب است. البته زمان هم نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، نباید اقتدر کوتاه باشد که شناختی حاصل نشود، و نه اقتدر طولانی که دلسردی یا بی‌اعتمادی به وجود بیآورد.

**همدلی با فرزندان جوان**

وی ادامه می‌دهد: عدم دخالت‌های بیجا، انتقال تجربه‌های مفید، راهتمایی درست برای ارتباط مؤثر، و تلاش برای شناخت خانواده فرد مقابل، عدم برخورد هیجانی و عجلوانه، همدلی با فرزندان جوان، حمایت اقتصادی و اجتماعی از آنها از تأثیرهای مثبت خانواده در ازدواج موفق فرزندانشان است.

شکرک در کارگاه‌های آموزش خانواده، مهارت‌های زندگی و ارتباط سالم زناشویی، مشاوره ازدواج و استفاده از مشاوره‌های کارشناسان روانشناسی، در نظر گرفتن ملاک‌های مهم در انتخاب همسر، شناخت از خانواده و فرهنگ فرد موردنظر و انتظارات آنان، آگاهی از حقوق خود و همسر و تعهد نسبت به همسر در صورت اقدام به ازدواج از جمله راهکارهایی است که دکتر دیره به جوانان توصیه می‌کند.